عنوان:

آهنگ‌پذیر بودن قرآن و تناسب معنایی آهنگ‌ها در کلام استاد شهید مطهری (رحمت الله علیه)

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | m-f-78 |
| رده | مهارتی/فرهنگی/قرآن وعترت/اهداف و رویکرد /قرآنی |
| برچسب | تلاوت زیبای قرآن، آهنگ قرآن، موسیقی قرآنی |
| توضیحات |  |

# استاد شهید مطهری ،کتاب نبوت، ص228 تا ص233:

# آهنگ‏پذیری قرآن ‏

مسأله دیگری که مربوط به سبک قرآن است و از قدیم مورد توجه بوده است مسأله آهنگ‏پذیری قرآن است. این خیلی عجیب است. تا آنجا که در زبانها نشان داده‏اند، جز شعر چیز دیگری آهنگ نمی‏پذیرد. آهنگ واقعی که یک نفر موسیقیدان بتواند برای آن آهنگ بسازد؛ شعر است که آهنگ می‏پذیرد. البته هر نثری را می‏شود با آواز بلند خواند اما آن کسی هم که آهنگها را نمی‏شناسد می‏فهمد که اگر این را ساده بخوانند بهتر از آن است که با آواز بخوانند. ولی یک نثر آهنگ‏پذیر آن نثری است که وقتی آن را با آهنگ می‏خوانند آن را بهتر بیان می‏کند تا وقتی که ساده می‏خوانند. به این می‏گویند آهنگ‏پذیری، یعنی آهنگ، آن را بهتر می‏تواند بیان کند از غیر آهنگ.

قرآن [از نظر قالب‏] شعر نیست، چون نه وزن دارد نه قافیه و نه هجاهایش هماهنگ با یکدیگر است. از نظر محتویات هم، چون شعر اصلا به تخیل بستگی دارد، تخیل در آن نیست، آن تشبیهات و خیالات شاعرانه در آن نیست. قرآن یگانه نثر آهنگ‏پذیر است. همین قرائتهایی که می‏خوانند- کسانی که اهل قرائت هستند- با آهنگ می‏خوانند. حالا شما یک کلام دیگر، خود خطبه‏های پیغمبر را بیایید با آهنگ بخوانید، اصلا نمی‏پذیرد. خطبه‏های‏ نهج‏البلاغه‏ را شما بیایید با آهنگ بخوانید، نمی‏پذیرد. هر کلام نثر عربی یا فارسی را بیایید با آهنگ بخوانید، نمی‏پذیرد. تنها قرآن است که آهنگ‏پذیر است و این همان مطلبی است که از صدر اسلام به آن توجه شده است.

اینکه توصیه شده است که قرآن را به صوت حَسَن بخوانید برای همین بوده است که در قرآن چنین استعداد و پذیرشی بوده و با آهنگ، بهتر می‏توانسته است خودش را نشان بدهد و نمایان کند. در اخبار زیادی داریم‏[[1]](#footnote-1): «تَغَنّوا بِالْقُرْان» غنا بخوانید با قرآن. اینجا علما بحث کرده‏اند که غنا که حرام است، با اینکه غنا حرام است پس چطور دستور داده شده که‏ «تَغَنّوا بِالْقُرْان»؟ بعضی آمده‏اند تعبیر خیلی سخیفی کرده‏اند، و البته علما رد کرده‏اند، گفته‏اند شاید این‏ «تَغَنّوا» از ماده غنا به مَد نیست، از ماده غنی‏ به قصر است؛ یعنی بی‏نیاز شوید به قرآن. جواب داده‏اند که عرب هرگز این کلمه را با تعبیر «تَغَنّوا» نمی‏گوید، اسْتَغْنوا می‏گوید. ما یک «تغنّی» داریم و یک «استغناء».

«بی‏نیاز بشوید» را با «اسْتَغْنوا» بیان می‏کنند نه با «تَغَنّوا». این بدون شک تغنّی است، منتها جواب داده‏اند که هر آواز خوش و لطیفی که احساسات را برانگیزد، به معنی اعمْ غناست، ولی غنای مذموم آن غنایی است که احساسات شهوانی انسان را برمی‏انگیزد، آن چیزهایی است که وقتی پیدا شد عقل انسان را خفیف و سبک و کوچک می‏کند؛ اما اگر چیزی احساسات عالی و لطیف انسان را برانگیزد که عقل انسان را قوی و روشن و ضمیر انسان را روشنتر کند، اشک انسان را جاری کند، انسان را به یاد خدا بیندازد، این هم غناست چون با احساسات انسان سر و کار دارد اما غنای مذموم نیست. ما از لفظ «غنا» که نباید وحشت داشته باشیم، از مورد غنا باید وحشت داشته باشیم.

بعلاوه ما می‏دانیم که از همان صدر اسلام عملا این عنایت بوده است که قرآن را با آواز خوش بخوانند و خوش‏آوازهای صحابه پیغمبر می‏آمدند و قرآن را می‏خواندند. حتی خود پیغمبر اکرم گاهی اصحاب را می‏گفت قرآن را بر او بخوانند. خودش قرآن بر او نازل شده بود، او که قرآن را می‏دانست، ولی انسان از شنیدن قرآن لذتی می‏برد که از دانستن آن قهرا آن لذت را نمی‏برد چون خود شنیدن موضوعیت دارد، آن برای دانستن که نیست، برای فکر نیست. فکر می‏داند، چیزی را که می‏داند دیگر تکرارش لغو است. ولی دل هرچه [قرآن خواندن‏] تجدید شود می‏خواهد احساساتش تحریک گردد. بسیاری از اوقات خود پیغمبر اکرم بعضی از صحابه را امر می‏کردند که قرآن را باز کن برای من بخوان و او قرآن می‏خواند و پیغمبر اکرم گوش می‏کردند.

عبداللَّه بن مسعود- که یکی از کتّاب وحی است- می‏گوید یک وقت پیغمبر اکرم به من فرمود که مصحف را باز کن برای من بخوان. من مصحف خودم را آوردم. از اول سوره نساء شروع کردم به خواندن، پیغمبر اکرم گوش می‏کرد تا رسیدم به این آیه که: «فَکیفَ إِذا جِئْنا مِنْ کلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِک عَلی‏ هؤُلاءِ شَهِیداً»[[2]](#footnote-2) یعنی «چگونه خواهد بود آنگاه که برای هر امتی گواهی بطلبیم و تو را بر اینها گواه بطلبیم». تا این را خواندم دیدم که چشمهای مبارک پیغمبر پر از اشک شد و فرمود:

«حَسْبُک هذا» دیگر بس است.

در روایات خودمان درباره امام سجاد و امام باقر هست که اینها قرآن را آنچنان با آهنگ خوش و زیبا از داخل منزل و با صدای بلند می‏خواندند که صدایشان به بیرون منزل منعکس می‏شد و مردمی که از کوچه می‏گذشتند به واسطه زیبایی و خوشی این آهنگ می‏ایستادند. بعد پشت خانه امام را نگاه می‏کردند می‏دیدند مردم داخل کوچه ایستاده‏اند دارند گوش می‏کنند و حتی نوشته‏اند آنقدر این صدا زیبا و جذاب بود که سقّاها در حالی که مشکهای سنگین را به دوش می‏کشیدند و می‏آمدند عبور کنند، با همان مشکهای پر از آب می‏ایستادند که گوش کنند.[[3]](#footnote-3)

این هم یکی از جنبه‏های زیبایی قرآن است: تحمل پذیری‏اش برای آهنگ، آنهم آهنگهای مختلف.

# سخن طه حسین‏

طه حسین در همین جا مخصوصا این آهنگهای مختلف را به تناسب موضوعات مختلف [گوشزد می‏کند] چون آیات قرآن همه یک جور نیست؛ آیات طویل داریم، آیات قصیر داریم، آیات شدید داریم، آیات آرام داریم. بعضی آیات، آیات خاصی است، به یک لحنی و با یک کلماتی بیان شده است که انسان احساس می‏کند این کلمات را آرام آرام باید بر قلب خودش تلقین کند، آیاتی که می‏خواهد تذکر و موعظه را به وجود بیاورد؛ مثلا: «کتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیک مُبارَک لِیدَّبَّرُوا آیاتِهِ وَ لِیتَذَکرَ أُولُوا الْأَلْبابِ» [[4]](#footnote-4) کتابی بر تو نازل کرده‏ایم، کتابی پر برکت و میمنت که آیات آن را تدبر کنند و صاحبدلان متنبه گردند. ببینید! آیه‏ای که دعوت به تدبر و تذکر می‏کند و می‏خواهد فکر را وادار به اندیشیدن کند، می‏خواهد دل را بیدار کند، با یک بیان نرم و ملایم و آهسته‏ای آمده است. آهنگی هم که این آیه می‏پذیرد یک آهنگ مخصوصی است که متناسب با هدف خودش است. یا این آیه: یهْدِی بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَهُ سُبُلَ السَّلامِ وَ یخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ یهْدِیهِمْ إِلی‏ صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ‏ [[5]](#footnote-5)

سبک این آیه به گونه‏ای است که از اول که انسان شروع به خواندن می‏کند، مثل آدمی که بالای سرسره است و خودش سُر می‏خورد می‏رود پایین، اصلا خود آیه این طور است، هیچ‏گونه ممانعتی در جلوی انسان ایجاد نمی‏کند، یعنی این قدر روان و سلیس است: «یهْدِی بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَهُ سُبُلَ السَّلامِ وَ یخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ یهْدِیهِمْ إِلی‏ صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» خدا به این وسیله هدایت و راهنمایی می‏کند مردمی را که حقیقت‏جو باشند و رضای حق را بطلبند (نه دنبال هدفهای منحرف‏کننده باشند) راههای سلامت را، و آنها را از تاریکیها به سوی نور می‏کشاند و به راه راست هدایت می‏کند.

ولی یک سلسله آیات دیگر مخصوصا آیات عذاب، آیات انذار و تخویف، به قول طه حسین آدم آن آیات را نگاه می‏کند، می‏بیند مثل صاعقه به سر انسان می‏بارد، با یک سَجْعهای کوتاهی، جمله‏های کوتاهی، مرتب یکی پشت سر دیگری می‏آید، که آهنگی هم که خوانده می‏شود یک آهنگ فشاردار و تندی است:

وَ الطُّورِ. وَ کتابٍ مَسْطُورٍ. فِی رَقٍّ مَنْشُورٍ. وَ الْبَیتِ الْمَعْمُورِ. وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ. وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ. إِنَّ عَذابَ رَبِّک لَواقِعٌ. ما لَهُ مِنْ دافِعٍ‏ [[6]](#footnote-6)

وقتی عذاب را می‏خواهد ذکر کند، می‏خواهد روح را تحت تأثیر قرار بدهد، می‏خواهد مجال هر گونه فراری را از او بگیرد، می‏بینید با یک سجعهای خیلی کوتاه و با یک فشار شدید وارد می‏شود:

«وَ الطُّورِ. وَ کتابٍ مَسْطُورٍ». اصلا خود لحن کلام و همچنین آهنگی که باید با این کلام خوانده شود خیلی فرق می‏کند با آنجا که می‏گوید: «کتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیک مُبارَک لِیدَّبَّرُوا آیاتِهِ وَ لِیتَذَکرَ أُولُوا الْأَلْبابِ».

یا مثلا این آیات هم همین طور است:

وَ الذَّارِیاتِ ذَرْواً. فَالْحامِلاتِ وِقْراً. فَالْجارِیاتِ یسْراً. فَالْمُقَسِّماتِ أَمْراً. إِنَّما تُوعَدُونَ‏

لَصادِقٌ. وَ إِنَّ الدِّینَ لَواقِعٌ‏ [[7]](#footnote-7)

قسمهای پی در پی با سجعهای خیلی کوتاه؛ ولی پشت سرش می‏بینید که عذاب پروردگار را ذکر می‏کند: قسم به این حقیقت، قسم به آن حقیقت‏ [[8]](#footnote-8) که جزای پروردگار حقیقت دارد و وعده‏هایی که برای آینده به شما داده شده است همه آنها واقع است و همه آنها امرِ شدنی است.

پس آهنگ‏پذیری هم خود یک مطلبی است درباره قرآن مجید و خیلی عجیب هم هست. باز همین آقای طه حسین در این زمینه یک حرف خوبی می‏زند، می‏گوید از زمانی که رادیو پیدا شد، طرفداران کتابهای دینی و مذهبی و کتابهای ادبی- که طرفداران زیادی دارند، خواه تعصب داشته باشند و خواه نداشته باشند- علاقه‏مندند که اینها را به وسیله رادیوها پخش کنند و به گوشها برسانند. نه هیچ کتاب مذهبی در این جهت به پای قرآن رسیده است و نه هیچ کتاب ادبی توانسته است جای قرآن را در این جهت بگیرد. عبارتش این است:

پس از اختراع رادیو، پخش قرآن به وسیله خوانندگان خوش‏آواز در کشورهای اسلامی و کشورهای بیگانه‏ای که به منظورهای سیاسی و غیر سیاسی برای مسلمین برنامه‏ای دارند فراوان گردید. اکنون قرآن در رادیوهای اروپا و آمریکا بیشتر برای آنکه شنوندگان از آواز خوانندگان لذت برند خوانده می‏شود «1» لکن بسیاری از شنوندگان، آن را در درجه اول برای خودش و ثانیا به خاطر آوازهایی که در تلاوت آن است و طربی که در شنوندگان پدید می‏آورد می‏شنوند. گاه بعضی قسمتهای ادبی از زبانهای زنده در رادیو پخش می‏شود لکن هرگز پخش آنها مانند قرآن پیوسته و منظم نیست‏ .[[9]](#footnote-9)

1. - مرحوم فیض اینها را در مقدمه تفسیر صافی آورده و معروف است و علمای فقه هم راجع به اینها بحث‏کرده‏اند. [↑](#footnote-ref-1)
2. - نساء/ 41 [↑](#footnote-ref-2)
3. - مدینه آن وقت چاه آب داشته و معمولا برای خانه‏ها سقّاها آب می‏آوردند. بعد هم که در زمان مروان حکم نهر جاری کردند دو سه جای مدینه را دهانه نهر یعنی محل آب برداشتن ایجاد کردند که از آنجا آب می‏آوردند. دیگر آب جاری در ظاهر مدینه نبود یعنی در کوچه‏ها آب جاری نبود، آب در زیر جاری بود، از نقطه‏ای در شمال مدینه چشمه را خارج کرده بودند ولی چند جای مدینه را کنده بودند و دهانه و پله درست کرده بودند که وقتی می‏خواستند آب بردارند از آنجا برمی‏داشتند. به هر حال آب منازل را به وسیله مشکها می‏رساندند. [↑](#footnote-ref-3)
4. -ص/29 [↑](#footnote-ref-4)
5. - مائده/16 [↑](#footnote-ref-5)
6. - طور/1-8 [↑](#footnote-ref-6)
7. - ذاریات/1-6 [↑](#footnote-ref-7)
8. - اغلب هم به این حقایق کوْنی قسم می‏خورد، که البته خود آن هم یک رمزی دارد. می‏خواهد با توجه به اینهاآن مطلب را ثابت کند. [↑](#footnote-ref-8)
9. - آنهایی هم که روی منظورهای دیگری پخش می‏کنند باز بالاخره دلیل بر مشتریهای آن است، دلیل بر این است که این برنامه مستمع دارد. اگر مستمع نمی‏داشت این قدر پخش نمی‏شد. [↑](#footnote-ref-9)